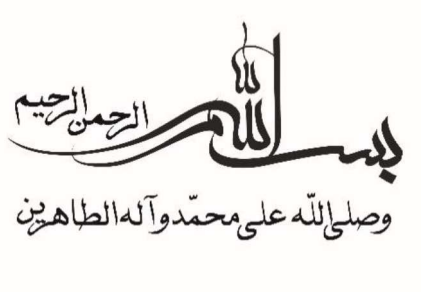
بسم الله الرحمن الرحیم
وصلی الله علی محمّد وآله الطاهرین

اسلام و روابط بین الملل

(مشارکت‌ها در نظریه و عمل)

سرویراستاران:

دینا عبدالقادر

ناصف منابیلنگ ادیونگ

رافائل موریلو

مترجمان:

دکتر ابوذر گوهری مقدم

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

امیرمحمد اسماعیلی

عنوان: اسلام و روابط بین‌الملل (مشارکت‌ها در نظریه و عمل)
سرویراستاران: دینا عبدالقادر، ناصف منابیلنگ ادیونگ و رافائل موریلو
مترجمان: دکتر ابوذر گوهری مقدم و امیرمحمد اسماعیلی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صفحه‌آرا و ویراستار ادبی: رضا عبداللهی
طراح جلد: محمد روشنی
نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۳۹۸
قیمت: ۳۳۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۳-۷۶۵-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • E-mail: pub@isu.ac.ir

عنوان و نام پدیدآور: سلام و روابط بین‌الملل (مشارکت‌ها در نظریه و عمل)/ ویراستاران دینا عبدالقادر، ناصف منا بیلنگ ادیونگ، رافائل موریلو ؛ مترجمان ابوذر گوهری‌مقدم، امیرمحمد اسماعیلی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.
شابک: ۳-۷۶۵-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸
موضوع: اسلام و روابط بین‌المللی
شناسه افزوده: عبدالقادر، دینا، ویراستار
شناسه افزوده: آدیونگ، ناصف مانابیلانگ، ویراستار
شناسه افزوده: موری‌یلو، رافائله، ویراستار
شناسه افزوده: گوهری مقدم، ابوذر، ۱۳۵۹ - مترجم
شناسه افزوده: اسماعیلی، امیرمحمد، ۱۳۷۳ - مترجم
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۲۳۱ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۳۳۵۹۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنّفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۱
معرفی مؤلفان ۱۳

بخش اول. به سوی مشارکتی اسلامی در نظریه روابط بین‌الملل: بسترسازی / رافائل موریلو ۱۷
یادداشت‌ها ۲۴

فصل اول. بنیان‌های اسلام در روابط بین‌الملل / علی‌اکبر علیخانی ۲۷
مقدمه ۲۷
بنیان‌های معرفتی و نگرشی ۲۸
نگاه تکریم‌آمیز به همه انسان‌ها ۲۸
پذیرش تکثر مذاهب به عنوان واقعیت ۲۹
اصالت اختیار و انتخاب انسان ۳۰
باور به برابری اولیه انسان‌ها ۳۰
بنیان‌های عقلانی و اخلاقی ۳۲
همزیستی مسالمت‌آمیز ۳۲
پرهیز از هر گونه خشونت ۳۳
تضاد خشونت با ذات اسلام ۳۳
جنگ و جهاد در قرآن ۳۳
خشونت در سنت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ۳۴
پایبندی به اصول اخلاقی ۳۵
بنیان‌های عملی و رفتاری ۳۶
گفتگو ۳۶
اهمیت و سطوح گفتگو ۳۶

بر حق ندانستن خود در گفتگو ۳۷
گفتگو بر اساس نقاط مشترک ۳۸
عهد و پیمان ۳۸
اهمیت سیاسی اجتماعی پیمان ۳۸
پایبندی به قرارداد ۳۹
پایبندی به حق و عدالت ۴۰
ادای حقوق طرف‌های مقابل ۴۰
عدالت ۴۱
مقابله‌به‌مثل ۴۲
تجهیز قوا با هدف بازدارندگی ۴۲
نتیجه‌گیری ۴۳
یادداشت‌ها ۴۴
منابع ۵۴

فصل دوم. هنجارها و ارزش‌های اسلامی در روابط بین‌الملل و بازتفسیرشان در حزب عدالت و توسعه ترکیه / لیلی یولیادی آرناکیم ۵۷
مقدمه ۵۷
محدودیت‌های نظریات روابط بین‌الملل در سیاست جهانی حال حاضر ۶۰
هنجارها و ارزش‌های اسلامی در روابط بین‌الملل ۶۱
نقش کشورهای مسلمان در ترویج ارزش‌های اسلامی در روابط بین‌الملل: مورد حکومتی حزب عدالت و توسعه ترکیه ۶۶
نتیجه‌گیری ۷۲
یادداشت‌ها ۷۳
منابع ۷۶

فصل سوم. بازنگری مفهوم مستکبر و مستضعف: رویکردی شیعه‌محور در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله در روابط بین‌الملل / رافائل ماریلو و سید محمّد مرندی ۷۹
مقدمه ۷۹
ارتقا روابط بین‌الملل با نگاه به تمدن اسلامی: روش‌شناسی ۸۲
سیَر خدوری: حنفی یا اسلامی، اختیار یا جهان‌بینی؟ ۸۳
مستکبرین و مستضعفین در قرآن ۸۵

انقلاب اسلامی در ایران و زبان سیاسی آن ۸۷
شیعه‌گرایی، جغرافیا، قلمرو و عدالت: «در اسلام هیچ مرزی وجود ندارد» ۸۸
[امام] خمینی (ره) و نظریه‌های روابط بین‌الملل اسلامی مدرن جایگزین..... ۹۰
الگوی مستضعفین/مستکبرین: اسلام مارکسیستی یا اسلام شیعی؟ ۹۳
عینیت‌بخشی الگوی مستضعفین/مستکبرین: جهان سوم‌گرایی و سیاست خارجی عدم تعهد..... ۹۵
گفتگوی تمدن‌ها و تسلیم‌ناپذیری جهان‌بینی مستضعفین در برابر مستکبرین..... ۹۶
ملاحظات پایانی ۹۷
یادداشت‌ها ۹۸
منابع..... ۱۰۰

بخش دوم. دیپلماسی، عدالت و مذاکره در اندیشه اسلامی / دینا عبدالقادر..... ۱۰۳
یادداشت ۱۰۸

فصل چهارم. جامعه‌شناسی تاریخی ابن خلدون و مفهوم تغییر در نظریه روابط بین‌الملل / فاروق یالواچ ۱۰۹
مقدمه ۱۰۹
زمینه اندیشه ابن خلدون ۱۱۱
مسئله تغییر اجتماعی در روابط بین‌الملل ۱۱۲
ابن خلدون و تاریخ ۱۱۶
نهادهای اجتماعی، تمدن‌ها و تغییر اجتماعی ۱۱۹
عصبیت و اقتدار سلطنتی..... ۱۲۳
نتیجه‌گیری ۱۲۸
یادداشت‌ها ۱۳۱
منبع..... ۱۳۵

فصل پنجم. از تقسیم سه‌گانه تا انسان‌گرایی جهانی: روابط بین‌الملل اسلامی جهانی جایگزین / احمد الداودی ۱۳۹
مقدمه ۱۳۹
الگوی سنتی روابط بین‌الملل اسلامی: تقسیمات سه‌گانه..... ۱۴۰
الگوی مدرن روابط بین‌الملل اسلامی: انسان‌گرایی جهانی ۱۴۶
انسان‌گرایی جهانی ابوزهرا ۱۴۹

نتیجه‌گیری ۱۵۴
یادداشت‌ها ۱۵۶
سایت‌های اینترنتی ۱۵۹
منابع ۱۵۹

فصل ششم. دموکراسی و سکولاریسم: دوگانه عقل و دین / دینا عبدالقادر ۱۶۳
مقدمه ۱۶۳
الف. نقش و اهمیت شریعت اسلامی و اندیشه فقهی ۱۶۵
ب. خیر عمومی سنت توماس آکویناس و مصلحت عمومی الشاطبی ۱۷۷
سنت توماس و خیر عمومی ۱۸۱
الشاطبی و مصلحت عمومی ۱۸۴
اهمیت الموافقات ۱۸۵
ج. بن‌بست، تسلط پارادایم عقلایی، گفتگوی ناشنوایان ۱۸۸
واژه‌نامه اصطلاحات عربی ۱۹۳
یادداشت‌ها ۱۹۴
منابع ۱۹۷

بخش سوم. بینش‌های معاصر اسلامی در باب زمامداری مسلمانان و روابط بین‌الملل / ناصف منابیلانگ ادیونگ ۱۹۹
عقاید سیاسی مسلمانان ۲۰۱
فصل‌ها ۲۰۶
یادداشت‌ها ۲۰۸

فصل هفتم. «تفکیک شیوه‌ها»: رویکرد سید قطب به روابط بین‌الملل / کریمه محمد ۲۱۱
مقدمه ۲۱۱
شرح حال مختصری از سید قطب ۲۱۲
عدالت اجتماعی، دغدغه‌ای اسلامی بعد از ۱۹۴۵ ..... ۲۱۵
نظریه سیاسی سید قطب ۲۱۷
رویکرد سید قطب در روابط بین‌الملل ۲۲۲
نتیجه‌گیری ۲۲۵
یادداشت‌ها ۲۲۷

منابع ۲۳۰

فصل هشتم. ساخت نظریه‌ای اسلامی از روابط بین‌الملل: مطالعه موردی یوسف القرضاوی، امت، جهاد و جهان / رودولفو راجیونیری ۲۳۳

مقدمه ۲۳۳
راه میانه ۲۳۶
جامعه، فضا و نهادهای سیاسی: امت و سیاست‌های آن ۲۳۷
جهاد به عنوان وظیفه یا روش ۲۴۳
روابط با غرب و اسرائیل ۲۴۷
یک نظریه سیاست جهانی؟ ۲۵۲
یادداشت‌ها ۲۵۶
منابع ۲۵۸

فصل نهم. اسلام حضاری مالزی و نقش دولت ـ ملت در روابط بین‌الملل / محمد علی ۲۶۱

مقدمه ۲۶۱
زمینه اسلامی، ملی و جهانی برای ترویج ارزش‌های مترقی ۲۶۲
فقر جهانی و همکاری اقتصادی بین‌المللی ۲۶۷
تروریسم بین‌المللی و ترویج صلح جهانی ۲۷۰
دفاع از مذهب و ملت به عنوان جهاد ۲۷۳
پاسخ‌های ناهمسان در عرصه بین‌المللی ۲۷۶
نتیجه‌گیری ۲۸۰
یادداشت‌ها ۲۸۱
منابع اینترنتی ۲۸۴
منابع ۲۸۴

نمایه ۲۸۷

پیشگفتار

گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی (Co-IRIS)، گروهی است که به توسعه پژوهش تطبیقی میان روابط بین‌الملل (IR) و مطالعات اسلامی (IS) اهتمام دارد. این گروه توسط گروهی از پژوهشگران علاقه‌مند به توسعه و حفظ ساختار دانشی ایجاد شد که نظریات و کنش‌های تمدن و جوامع مسلمان را با نگاه به امور بین‌المللی و رشته روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهد. روابط بین‌الملل، به عنوان یک حوزه مطالعاتی، پروژه‌ای یک سویه نیست، بلکه عرصه‌ای اندیشمندانه محسوب می‌شود. هدف این گروه پژوهشی، کشف نقش مشارکت اسلامی در این رشته است. مشارکت همه‌گیر مسلمانان به معنای انزواطلبی، یعنی تفکیک جدل‌آمیز در خصوص اینکه چه چیز اسلامی است و چه چیز غیراسلامی، نیست. گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی به این منظور ایجاد شد تا در خصوص شمول این دانش، به عنوان یک قالب ساختاری در رشته روابط بین‌الملل عمل کند. این نظر مفروض است که دانش سیال است: مردم اندیشه‌ها و نظرات را بدون توجه به ایمان، جنسیت، ملت و غیره می‌پذیرند و مورد استفاده قرار می‌دهند. نظر جریان اصلی مبنی بر اینکه همه دانش ارائه‌شده توسط غرب، از یک رویکرد شرق‌شناسانه نشئت می‌گیرد و یا اینکه یک برخورد میان تمدن‌ها وجود دارد، هر دو مفاهیمی متضاد نسبت به مأموریت ما محسوب می‌شود.

گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی که قبلاً به عنوان گروه پژوهشی روابط بین‌الملل ـ مطالعات اسلامی شناخته می‌شد[1] توسط ناصف منابیلنگ ادیونگ در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۲ از طریق شبکه‌های اجتماعی متعددی نظیر فیس‌بوک، توییتر و گوگل پلاس ایجاد شد. اطلاعات وبلاگ/ وب‌سایت و توییتر او به عنوان محل الکترونیکی موقت به کار می‌رفت، جایی که او اندیشه‌هایش را تدوین و اطلاعاتش را منتشر ساخت. این آرمان او بود که نقش مشارکت اسلامی در رشته روابط بین‌الملل را معرفی کند، چراکه او شاهد عدم شناخت پژوهشگران اسلامی در میان محققان نظریه‌ها و کنش‌های روابط بین‌الملل این رشته، به ویژه در مغرب زمین

1. IR-IS Research Cohort

بود. رؤیای او یافتن ارزش‌های مشترک و درک متقابل میان روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی است. در مدتی که او وسایل و ابزارهای علمی را برای نقطه شروع تحقق آرمان‌هایش پیدا می‌کرد، توانست یک کتاب ویرایش کند، یک بخش کنفرانس تشکیل دهد و جلساتی را با افرادی بااشتیاق و علایق مشابه، سازمان‌دهی کند. گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی (Co-IRIS) ابتدا از طریق مکاتبه با دکتر رافائل موریلو و دکتر دینا عبدالقادر و سپس در جریان یک نشست در راپالو (ایتالیا) که از ۳۰ اکتبر تا ۲ نوامبر، به عنوان بخشی از همایش تحقیقاتی سالانه که توسط انجمن مطالعات بین‌المللی اروپایی برگزار می‌شد، متولد شد.

اعضای گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی
دینا عبدالقادر
ناصف منابیلنگ ادیونگ
رافائل موریلو

معرفی مؤلفان

دینا عبدالقادر[1]، دانشیار دانشکده علوم سیاسی و پژوهشگر مهمان برنامه مطالعات اسلامی الولید دانشگاه هاروارد ایالات متحده آمریکا است. او نویسنده کتاب‌های عدالت اجتماعی در اسلام (۲۰۰۰) و فعالان اسلامی: دموکرات‌های ضد روشنگری (۲۰۱۱) است. او همچنین تعدادی از مقالات، از جمله «سرکوب‌گری، صلح و مسئله جهاد» در مجله مطالعات خاورمیانه و فصل «مدرنیته، اسلام و عمل‌گرایی مذهبی» در کتاب نظم نوین جهانی و خاورمیانه را به رشته تحریر درآورده است. عبدالقادر در سال ۲۰۱۵، ریاست کمیته انتخاب کتاب برتر دین و روابط بین‌الملل انجمن مطالعات بین‌المللی را بر عهده داشت. او یکی از دو زن حاضر در شورای فقهی اسلامی شمال آمریکا است. تمرکز او بر روی گذار دموکراتیک در جهان اسلام و عمل‌گرایی سیاسی اسلامی است.

ناصف منابیلنگ ادیونگ[2]، دانشجوی مطالعات تطبیقی اسلام و روابط بین‌الملل است. علایق پژوهشی او شامل دولت ـ ملت‌ها، تمدن و بانجسامورو[3] می‌شود. او نویسنده، در میان سایر مقالات، «دولت ـ ملت در روابط بین‌الملل و اسلام» در مجله عمل دولت اسلامی در حقوق بین‌الملل، «سکولاریزه شدن انرژی هسته‌ای ایران از سوی ایالات متحده و اسرائیل» در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام و «مسئله پناهندگان فلسطینی: یک تفسیر بنیادین ساخت‌گرا» در مجله ترکیه‌ای روابط بین‌الملل است. اولین کتاب ویرایش شده او، روابط بین‌الملل و اسلام: چشم‌اندازهای گوناگون، در اوت ۲۰۱۳ انتشار یافت.

احمد الداودی[4]، استادیار مطالعات اسلامی دانشگاه زاید دوبی و مدرس دانشگاه الازهر قاهره است. او معاون مطالعات تکمیلی مؤسسه مطالعات جهان اسلام و هماهنگ‌کننده

---

1. Deina Abdelkader
2. Nassef Manabilang Adiong
3. Bangsamoro
4. Ahmed Al-Dawoody

برنامه کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی معاصر دانشگاه زایـد بـود. او دکتـرای خـود را از دانشگاه بیرمنگام انگلستان، کارشناسی ارشدش را از دانشگاه لایدن هلند و کارشناسی‌اش را از دانشگاه الازهر کسب کرد. او همچنین مقـالات متعـددی نگاشـته و نویسـنده قـانون اسلامی جنگ: برهان‌ها و مقررات است (Palgrave Macmillan, 2011).

محمد علی[1]، دانشیار مطالعات اسلامی دانشـکده مطالعـات دینـی دانشـگاه کالیفرنیـای ریورساید ایالات متحده آمریکا است. او نویسنده الهیات چند فرهنگـی ـ تکثرگرایانـه (در اندونزی، ۲۰۰۳)، پل زدن میان اسلام و غرب: رویکردی اندونزیایی (۲۰۰۹) و اسـلام و استعمار: مدرن شدن در اندونزی و مالایـا (Edinburgh University Press, 2015) اسـت. او همچنین مقالاتی را در خصوص فتاوی در خصوص ازدواج میان دینی، جنسیت، جهاد، برداشت مسلمانان از یهودیت، اسلام در کلانتـان، اسـلام مترقـی در مـالزی، جنبش‌هـای لیبرال اسلامی و تکثرگرایی دینی و آزادی و فصولی در خصوص «دور از مکه: اسلام مدرن در اندونزی و مالزی» (۲۰۱۳) و «اسلام در تاریخ آسیای جنوب شـرقی مـدرن» (۲۰۱۳) به رشته تحریر درآورده است.

علی‌اکبر علیخانی[2]، دانشیار اندیشه سیاسی اسـلام دانشـگاه تهـران و پژوهشـگر مهمـان دانشگاه‌هاروارد (۲۰۱۵-۲۰۱۶) اسـت. او ۱۵ کتـاب علمـی را نوشـته یـا ویـرایش کـرده است، نویسنده بیشتر از ۴۰ مقاله علمی و حدود ۵۰ فصل کتاب است. کتاب‌هـای اخیـر علیخانی شامل اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز: چالش‌های دنیای مدرن برای موجودیـت (۲۰۱۳) و فلسفه سیاسی اسلامی (حکمت): مفاهیم بنیادین (۲۰۱۵) می‌شود. ایـن آثـار بر روی مسئله سیاست در اسلام متمرکز شده است. اثر علمـی علیخـانی بـر روی ارتبـاط میان سنت‌های اسلامی و مسئله جهانی معاصر تمرکز یافته اسـت (بـرای جزئیـات بیشـتر مراجعه کنید به: http//aliakbaralikhani.com).

لیلی یولیادی آرناکیم[3]، رئیس مرکز مطالعات آمریکـای لاتـین[4] و مربـی ارشـد دانشـکده مطالعات آسیای جنوب شرقی دانشگاه مالایا مالزی است. او دکتـرای خـود را از دانشـکده مطالعات استراتژیک دانشگاه مالایا دریافت کـرده اسـت. او همچنـین پژوهشـگر مهمـان مرکز پژوهش سیاسی و مطالعات بین‌المللی[5] دانشگاه علوم مالزی ایالـت پنانـگ[6] اسـت. یولیادی چندین مقاله و کتاب در خصوص اسلام، سیاست، اقتصاد (بـه ویـژه برنامـه‌ریزی

1. Muhamad Ali
2. Ali Akbar Alikhani
3. Lili Yulyadi Arnakim
4. CLAS
5. CenPRIS
6. USM

مالی اسلامی) نوشته و در چندین پروژه پژوهشی شرکت داشته است. کتاب او شامل منطقه‌گرایی و توسعه سیاسی در آسیای جنوب شرقی (۲۰۰۹) می‌شود.

سید محمد مرندی[1]، دانشیار مطالعات آمریکای شمالی و رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. حوزه تحقیق او بر روی نئوخاورشناسی و مطالعات پسااستعمار با تأکید بر ادبیات ایرانی ترک تابعیت کرده در آمریکا شمالی متمرکز است. مرندی به عنوان یک مفسر سیاسی در شبکه‌های خبری بین‌المللی نظیر سی‌ان‌ان، الجزیره، راشا تودی، بی‌بی‌سی، سی‌سی‌تی‌وی و پرس‌تی‌وی حضور داشته است. او همچنین یک ستون‌نویس منظم برای سایت الجزیره است؛ جایی که او در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، بحران‌های سوریه و یمن و نمایش غیرواقعی چهره جمهوری اسلامی در رسانه غربی مطالبی را نوشته است.

رافائل موریلو[2]، محقق فوق دکتری دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. او یک مورخ متخصص در اسلام شیعی معاصر، روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک است. او دارای مرتبه افتخاری درجه یک زبان‌ها و تمدن‌های خاوری (۲۰۰۲) و دکتری تمدن اسلامی: تاریخ و فلسفه (۲۰۰۹) از دانشگاه ساپینزا رم است. در سال ۲۰۱۳، جایزه جهانی کتاب سال از جمهوری اسلامی ایران در زمینه مطالعات اسلامی به او اهدا شد. آخرین اثر او، ترجمه ایتالیایی قانون مدنی ایران (۲۰۱۵) است.

کریمه محمد[3]، پژوهشگر مستقل ساکن پرتقال است. او دارای دکترای نظریه و تحلیل سیاسی است. علایق پژوهشی او تاریخ نظریات سیاسی در جهان اسلام، به ویژه آسیای جنوبی و روابط میان دین و سیاست در زمینه‌های فرهنگی و تمدنی مختلف است. محمد یکی از اعضای اجرایی کمیته پژوهشی علوم سیاسی بین‌المللی در حوزه دین و سیاست، یکی از اعضای انجمن بریتانیایی مطالعات ایمان، سیاست و شبکه پژوهشی جامعه خاورمیانه‌ای و عضو هیئت تحریریه مجله بین‌المللی اندیشه اسلامی است که از سوی انجمن بین‌الملل فیلسوفان و متخصصان الهیات مسلمان، دانشکده الهیات و فلسفه دانشگاه ملی مالزی منتشر می‌شود.

رودولفو راجیونیری[4]، استاد روابط بین‌الملل و تاریخ بین‌الملل دانشگاه ساساری ساردینیا ایتالیا است. پیش از انتصابش، او مدرس ریاضی فیزیک و ریاضیات برای علوم اجتماعی در دانشگاه فلورانس ایتالیا بود. او نویسنده کتاب جنگ و صلح در روابط بین‌الملل

---

1. Seyed Mohammad Marandi
2. Raffaele Mauriello
3. Carimo Mohomed
4. Rodolfo Ragionieri

(Carocci, Rome 2008) و ویراستار دموکراسی و بنیادگرایی (with D. Belliti, ETS, Pisa 2006)، هویت‌ها و منازعات: مدیترانه (with F. Cerutti, Palgrave Macmillan, 2001)، فرهنگ و منازعه در منطقه مدیترانه (O. Schmidt di Friedberg, Asterios, Trieste 2003) است. علایق پژوهشی حال حاضر او بر روی روابط میان ادیان الهی، خشونت و صلح متمرکز است.

فاروق یالواچ[1]، استاد روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه فنی و مهندسی خاورمیانه آنکارای ترکیه است. او فارغ‌التحصیل کالج آمریکایی تالاس و کالج آمریکایی تارسوس است. او مدرک کارشناسی خود را از دپارتمان روابط بین‌الملل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آنکارای ترکیه دریافت کرد. یالواچ همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری از مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن است؛ جایی که او پژوهشگر نوئل باکستون بود. او همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد از مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر ایالت ماساچوست ایالات متحده آمریکا است؛ جایی که او بورس تحصیلی فول برایت دریافت کرد. علایق آکادمیک اصلی او نظریه روابط بین‌الملل، مارکسیسم، رئالیسم انتقادی، جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی اسلام، نظریه سیاست بین‌الملل و تحلیل نظری سیاست خارجی ترکیه را دربرمی‌گیرد.

1. Faruk Yalvaç

بخش اول

به‌سوی مشارکتی اسلامی
در نظریه روابط بین‌الملل: بسترسازی

رافائل موریلو

روابط بین‌الملل به عنوان یک رشته دانشگاهی، هنوز هم شدیداً بر اساس بنیان‌های اروپا محور[1] پایه‌ریزی شده است، به‌گونه‌ای که ماهیت غیرتاریخی‌اش مشهود است، برای مثال، زمانی که پژوهش بر پایه نظم بین‌المللی پیش از ظهور غرب، مورد نظر قرار می‌گیرد(۱). در زمان مطالعه بنیادنامه‌های اصلی روابط بین‌الملل همراه با الگوهای مختلف آن(۲) (واقع‌گرایی، لیبرالیسم، مکتب انگلیسی، ساختارگرایی، مارکسیسم، نظریه انتقادی، پست‌مدرنیسم، فمینیسم، پساساختارگرایی، پسااستعمار، نظریه سبز و غیره) و در یا زمان توجه به متفکران و متون اصلی آن(۳)، ممکن است این‌چنین تصور شود که روابط بین‌الملل به عنوان یک رشته دانشگاهی، بر درکی بنا شده که به روی مشارکت‌های غیرغربی باز نیست. زمانی که هر دو با هم نگریسته شود، اختلاف ظاهری نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌سادگی، فراروایت غربی[2]، ماهیت اروپا ـ آمریکایی روابط بین‌الملل (کنش بین‌المللی دولت‌ها) و بخشی از روابط بین‌الملل (مطالعه دانشگاهی کنش بین‌المللی دولت‌ها) را بازتولید می‌کند(۴). این ملاحظه به ویژه زمانی مشکل‌آفرین است که متوجه شویم نظریه‌های روابط بین‌الملل نه‌تنها ابزارهای تحلیل همراه با الگوهای متفاوت روابط بین‌الملل را مجسم می‌کند بلکه شیوه‌ای را برای مفهوم‌سازی نظم بین‌المللی و جهانی ارائه می‌دهد. در واقع نهادهای بین‌المللی منحصراً بر هنجارهای غرب‌گرا بنا شده است و به صورت خردمندانه بر پایه مفروضات روابط بین‌الملل و نظریه روابط بین‌الملل استوار شده است. این موضوع محدودیت‌های مهمی را برای محققان روابط بین‌الملل که برای مثال به دنبال درک و نظریه‌پردازی در خصوص ظهور بخش‌های غیراروپایی جهان از جمله چین (و به طور کلی اعضای بریکس) و پدیده‌ای همچون ظهور و مقاومت جمهوری اسلامی ایران و یا در نگاهی متفاوت، اعلام حضور داعش در سوریه و عراق هستند، تحمیل می‌کند. یک دلیل اساسی برای این محدودیت‌ها، از این واقعیت نشئت می‌گیرد که منابع روابط بین‌الملل به وضوح در تطابق با پراکندگی جهانی موضوعات و درجه مشارکت آن‌ها در عملکرد رشته روابط بین‌الملل و روابط میان دولت‌ها

1. Eurocentric foundations
2. Western meta-narratives

ناتوان است.

همان‌طور که سید[1] اشاره کرده است، از سال ۱۸۷۰ میلادی، مسلمانان تمایل عمیقی را به سنت سیاسی غرب نشان داده‌اند، اگرچه تا حد زیادی این تمایل توسط اندیشمندان سیاسی غرب متقابل نبوده است؛ دومی اساساً اندیشه سیاسی مسلمانان را غیر از نوعی کنجکاوی انسان‌شناسی شرقی[2]، نادیده می‌انگارد(۵). علاوه بر این، مطالعات محدود انجام گرفته در مورد نظریه سیاسی و جهان‌بینی اسلامی در غرب، به‌صورت گسترده‌ای تحت سیطره مسئله جهاد (که تحت عنوان جنگ مقدس فهم می‌شود)، به عنوان محور روابط بین‌الملل اسلامی و تقسیم‌بندی مفروض جهان به دارالحرب (منزلگاه جنگ)، دارالاسلام (منزلگاه اسلام) و دارالصلح (منزلگاه صلح موقت که گاهی دارالعهد هم خوانده می‌شود) به عنوان شکل حقیقی و منحصر نظریه روابط بین‌الملل اسلامی، بوده است(۶). با این حال، ممکن است استدلال شود که این مؤلفه، پیامد نادرستی از این حقیقت بوده که نظریه‌های سیاسی غربی به‌صورت گسترده‌ای، مفهوم روابط بین‌الملل را به عنوان وضع طبیعی پذیرفته است و از این‌رو خود را متعهد کرده تا روابط بین‌الملل را همچون موضوعی عمدتاً مرتبط با نسبت سنتی رقابت‌های دولت ـ ملت‌ها، یعنی جنگ بنگرد(۷). به عقیده من، این دیدگاه درون روابط بین‌الملل جریان اصلی اروپایی ـ آمریکایی، به عنوان نوسان‌گری بین یک وضعیت جنگ و صلح آشوب‌زده، ناگزیر منجر به انتخاب نگاه به جهاد و دسته‌بندی منزلگاه‌هایی متضاد (دارالحرب و دارالاسلام، با تأکید کمتر بر روی دارالصلح/ دارالعهد)، به عنوان نظریه روابط بین‌الملل شد؛ شکلی از آلیس آن‌سوی آینه[3]. در این رابطه، عبدالحمید احمد ابو سلیمان[4] در مقدمه نخستین ویرایش کتابش به سوی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل[5]، اشاره می‌کند که در دیدگاهش به چه نحوی:

نظریه و فلسفه اسلامی روابط میان ملت‌ها، تنها فلسفه مناسب صلح در جهان معاصر است. این تنها فلسفه، مفهوم و رویکردی است که بر روی خاستگاه، منافع و سرنوشت مشترک بشر، به عنوان تنها مبنای فهم فطرت انسان، روابط بین فردی و تعاملات گروهی تأکید می‌کند. ... سایر ایدئولوژی‌ها و فلسفه‌های جهانی بر روی مدیریت منازعه و در نتیجه جنگ تمرکز می‌کنند(۸).

اسلام از درون و پشت آینه کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد.

---

1. Sayyid
2. Orientalist anthropological curiosity
3. Alice Through the Looking Glass
4. AbdulHamid AbuSulayman
5. Towards an Islamic Theory of International Relations

امیتاو آچاریا[1] و بری بوزان[2] در مجلد ویرایش شده‌شان در خصوص به‌روزترین نظریه روابط بین‌الملل در باب آنچه «غیرغربی[3]» می‌خوانند، نشان می‌دهند که به چه نحوی مشاهده صورت گرفته از سوی سید درباره ناآگاهی غرب نسبت به اندیشه سیاسی مسلمانان، به جهان اسلام محدود نمی‌شود؛ متفکران سیاسی غربی همچنین به‌صورت گسترده‌ای، تفکر سیاسی و بین‌المللی «سایر[4]» جهان را نادیده می‌گیرند(۹).

تجربیات جمع‌آوری‌شده در این مجلد ظاهراً نشان‌دهنده این است که جهان غیر غربی، در خصوص مورد ارائه شده‌شان از طریق آسیا (و از طریق مشارکت در جهان‌بینی اسلامی)، سلطه غربی، ظرفیت رشد نظریه‌های روابط بین‌المللی در سطح محلی را هم به جنب‌وجوش آورده و هم به تأخیر انداخته است. در خصوص کشورهای اکثراً آسیایی، ما در مرحله‌ای از منابع پیشانظری هستیم که به وسیله علمای غربی و محلی در مقیاس بزرگی یا فراموش شده یا به حاشیه رانده شده است(۱۰). در هر صورت، در این خصوص، ان جی رنجر[5] اشاره می‌کند که چگونه:

در هر صورت، اکثر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، سنت‌های طولانی و مهم بازتاب‌کننده موضوعات روابط بین‌الملل را درک کرده‌اند: روابط میان جوامع سیاسی، جنگ، تجارت، تنوع فرهنگی و پیامدهایش. ... محققان بیشتر مایل‌اند تا در ابتدا به نظریه روابط بین‌الملل غربی بپردازند، قبل از اینکه به امکان و منابع نظریه روابط بین‌الملل غیرغربی پی ببرند(۱۱).

تنها فصلی که از کتاب آچاریا و بوزان به جهان‌بینی اسلامی اختصاص یافته از یک وضعیت متناقض پرده برمی‌دارد که در آن، علمای اسلامی معتقدند که نظریه روابط بین‌الملل غربی، مسیر درست را برای توضیح روابط بین‌الملل و سیاست جهانی نیافته است، اما در هر صورت وضعیت هژمونیک را به دست آورده است. با وجود این وضعیت ظاهراً اسف‌بار، شهربانو تاج‌بخش[6] عنوان می‌کند که اسلام همچون «گونه‌ای» اندیشه‌ای، مذهبی، تمدنی و جهان‌بینی، صریحاً به دنبال یک مبنای متمایز از حقیقت و زندگی خوب بوده است که به تنظیم جایگزین‌هایی در برابر نظریه روابط بین‌الملل اسلامی، امکان دهد. در این خصوص و همراه با گسترش سرمایه‌داری، جهانی‌شدن نیز به طور متناقضی احیا و بازتفسیر منابع کلاسیک در جهان اسلام را ترویج کرده است، همان‌طور که در

1. Amitav Achraya
2. Barry Buzan
3. the non-West
4. the rest
5. N J Rengger
6. Shahrbanou Tadjbakhsh

قسمت اول همین مجلد آمده است. شاید صرفاً تصادف نباشد که دو فصل (اول و سوم) به ایران مرتبط می‌شود. یک فصل توسط یک پژوهشگر ایرانی (ساکن ایران) نوشته شده و دیگری به نظریه روابط بین‌المللی ارتباط دارد که با ظهور انقلاب اسلامی ایران مرتبط می‌شود؛ در حالی که دومین فصل، به اهمیت هنجارها و ارزش‌های اسلامی در نظام سیاسی جهانی عصر حاضر با اشاره به سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه[1] می‌پردازد. در مورد ایران، عمر جی ای ثابت[2] استدلال می‌کند که ظهور و نهادینه شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق یک روش خودارجاع از تفکر حاصل شد (در عین حال فضای را برای این روش باز کرد) که در آن، روش‌شناسی اسلامی به یک معرفت شناسایی اسلامی و نه یک معرفت‌شناسی «بیگانه[3]» بازمی‌گشت(۱۳). ممکن است این‌گونه استدلال شود که یک سناریو مشابه، اگرچه محدودتر، در ترکیه شکل گرفته است(۱۴).

مقاله‌های مختلف در این مجلد و به ویژه در بخش اول، بر این مبنا قرار گرفته که نظریه روابط بین‌الملل غربی در قالب فعلی‌اش برای بهبود فهم ما از جهان اجتماعی در آن زندگی می‌کنیم، مناسب نیست، بخشی به این سبب که از یکسو، منابعش بسیار محدود است و از سوی دیگر نفوذش بسیار مسلط است. آن‌ها پاسخ بسیاری پیچیده‌تری را به سؤال اصلی مطرح‌شده از سوی آچاریا و بوزان ارائه می‌کنند و آن را به چالش می‌کشند، یعنی اینکه چرا هیچ نظریه روابط بین‌الملل غیرغربی وجود ندارد؟ همان‌طور که در سه فصل بعد نشان داده شده، تمدن اسلامی در منابع و فرهنگ سیاسی به خوبی قادر است تا در رشد روابط بین‌الملل و نظریه روابط بین‌الملل مشارکت کند و جایگزین‌هایی برای نظریه‌سازی ارائه دهد.

در راستای اهداف مطرح‌شده گروه پژوهشی روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی[4]، فصل‌هایی که در بخش اول جمع‌آوری شده، به دنبال روش‌های جدیدی در روش‌شناسی و اندیشه در برابر نظریه‌های اسلامی مدرن روابط بین‌الملل است که فراتر از ایده نیاز برای اسلامی کردن دانش یا فرضیه‌ای است که تمدن اسلامی نظریه واحد و ثابت خود را دارد (یا باید داشته باشد). آن‌ها یک دید کلی از اصول کلیدی سیاست جهانی پیشنهاد می‌کنند که از قرآن قابل استنباط است و همچنین جنبه‌های سیاست‌گذاری نظری و ملموس را در سیاست خارجی دو کشور کلیدی مسلمان، ایران (شیعه) و ترکیه (اهل سنت) به بحث

1. AKP
2. Amr G E Sabet
3. alien
4. Co-IRIS

می‌گذارند.

فصل اول، نوشته علی‌اکبر علیخانی، این رابطه را نسبت به روابط بین‌الملل در جهان امروز که نویسنده آن را «مبانی اسلام» می‌خواند، مورد توجه قرار می‌دهد که مستقیماً از قرآن و سنت رسول خدا (ﷺ) استنباط شده است. این فصل برای توضیح مبانی استخراج‌شده از این منابع، در برخی موارد به نظرات علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) و سایر محققان مسلمان و مفسران قرآن ارجاع می‌دهد. این فصل سه گروه از مبانی را مشخص می‌کند. اولین گروه شامل مبانی شناختی و معرفتی[1] می‌شود که دربرگیرنده زیرساخت‌های فکری بشر است؛ بحث در مورد این مبانی، نگرش اسلامی را در برابر بشریت روشن می‌کند، از جمله: آموزه‌های اسلامی در خصوص اتخاذ نگرش تکریم‌آمیز در برابر انسان‌ها، شناسایی تعدد مذاهب به عنوان یک واقعیت؛ اصالت اراده آزاد و انتخاب آزاد انسان و اعتقاد به برابری نژادی بشر. گروه دوم به مبانی فکری و اخلاقی می‌پردازد که یک نظام اجتماعی باید بر آن بنیان گذاشته شود و مقوله‌هایی که در به طور خلاصه موردبحث قرار می‌گیرند که عبارتند از: همزیستی مسالمت‌آمیز؛ اجتناب از خشونت و پایبندی به اصول اخلاقی. سومین گروه شامل مبانی عملی و رفتاری و آموزه‌های اسلامی در مورد رویکردهایی که ملت‌های مسلمان باید در رابطه با تعاملاتشان با سایر ملت‌ها داشته باشند، می‌شود. موضوعات زیر در این گروه نهایی بحث می‌شود: گفتگو و سطوح مختلف آن؛ معاهدات و موافقت‌نامه‌ها؛ پایبندی به حقوق و عدالت؛ عمل مقابله‌به‌مثل و بازسازی نیروها برای اهداف پیشگیرانه.

فصل دوم، نوشته لیلی یولیادی آرناکیم، استدلال می‌کند که اسلام به عنوان یک روش جامع زندگی، یک جهان‌بینی و یک نظام دارد که در آن دین بر قدرت سیاسی مهار می‌زند. فرض بر این است که اسلام معتقد است که زندگی عمومی یا دولت، باید ارزش‌های اسلامی را در آغوش بکشد. طبق دیدگاه نویسنده، در روابط بین‌الملل و با بسط سیاست‌های بین‌المللی، اسلام هنجارها و رویه‌های خود را در خصوص روابط میان کشورهای مسلمان و میان کشورهای مسلمان و غیر مسلمان دارد. او در ادامه نشان می‌دهد که اسلام ـ که ارزش‌هایی نظیر حسن تفاهم، خودکفایی، همبستگی، اعتماد و کمک متقابل، مصلحت‌اندیشی متقابل و عدالت را حمایت می‌کند ـ با ارزش‌های جهانی در این زمینه‌ها مقابله نمی‌کند. به طور کلی، این فصل تلاش دارد تا اثربخشی یک نظریه اسلامی روابط بین‌الملل در سیاست‌های جهانی معاصر را برجسته کند. نویسنده با ارجاع به جنبه‌های عینی سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، نقش استراتژیک کشورهای مسلمان

1. the cognitive and epistemic fundamentals

را در حفظ هنجارها و ارزش‌های اسلامی در ارتباط با چالش‌های سیاسی جهانی فعلی مورد بررسی قرار می‌دهد. این فصل، آینده‌ای را برای ارزش‌های اسلامی در ایجاد یک نظام سیاسی جهانی مطلوب پیش‌بینی می‌کند.

فصل آخر، نوشته رافائل موریلو و سید محمد مرندی، در جهت نیاز به ارتقای تحقیق میان‌رشته‌ای بین روابط بین‌الملل و مطالعات اسلامی استدلال می‌کند. در این چارچوب، این فصل در جهت همگرایی هم متدولوژی و هم یافته‌های شیعه شناسی[1] (شاخه‌ای از مطالعات اسلامی که به اسلام شیعی اختصاص دارد) در دانش سیاسی دنیای اسلامی استدلال می‌کند که متشکل از متخصصان روابط بین‌الملل و دانشگاهیان حوزه روابط بین‌الملل و نظریه روابط بین‌الملل است. این فصل نشان می‌دهد که چگونه در یک جهان‌بینی شیعی، از منظر تاریخی، نقش دوگانه دارالاسلام (قلمرو و یا منزلگاه اسلام) و دارالحرب (قلمرو و یا منزلگاه جنگ)، عملاً بسیار محدود بوده است، اگرچه محققان روابط بین‌الملل، به عنوان یک واقعیت ثابت فرض کرده‌اند که جهان‌بینی روابط بین‌الملل اسلامی به لحاظ تاریخی (تنها) بر دوگانه دارالاسلام در مقابل دارالحرب بنا می‌شود. فقدان دانش محققان روابط بین‌الملل در این خصوص، مانع از توانایی آن‌ها برای ارزیابی و جایگزینی نظریه روابط بین‌الملل اسلامی‌شده است؛ نظریه‌ای که توسط جهان‌بینی مستضعفین در برابر مستکبرین و تدوین آن در سند سیاسی بنیان‌گذار حزب‌الله و نهادینه شدن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان داده شده است.

یادداشت‌ها

۱. برای مثال مراجعه کنید به:

Shogo Suziki, Yongjin Zhang and Barry Buzan eds. International Order in the Early Modern World: Before the Rise of the West. London and New York: Routledge, 2014.

۲. برای مثال مراجعه کنید به:

Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith eds. International Relations Theories: Discipline and Diversity. 3rd ed, Oxford: Oxford University Press. 2013; Martin Griffiths. International Relations Theory for the Twenty-First Century: An Introduction. London and New York: Routledge, 2007; Cynthia Weber. International Relations Theory: A Critical Introduction. 3rd ed. Routledge, London and New York, 2009.

3. Martin Griffiths, Steven C. Roach and M. Scott Solomon. Fifty Key Thinkers in International Relations. 2nd ed. London and New York: Routledge, 2009, and Chris Brown, Terry Nardin and Nicholas Rengger eds. International Relations in Political Thought: Texts from the Ancient Greeks to the First World War.

1. Shi'itology

Cambridge: Cambridge University Press, 2002.

دومین کتاب، دو متفکر مسلم (الفارابی و ابن‌سینا) را برجسته می‌کند، با این حال، آن‌ها عموماً در شمار تاریخ روشنگری غربی گنجانده می‌شوند و عملاً به عنوان غربی و غیرمسلمان تلقی و عنوان می‌شوند.

4. Shogo Suziki, Yongjin Zhang and Barry Buzan eds. International Order in the Early Modern World, p. xvii.
5. Sayyid, S. A Fundamental Fear: Eurocentrism and the Emergence of Islamism. With a foreword by Hamid Dabashi. London: Zed Books, 2015, pp. 125–6.

۶. یک مورد در این خصوص، آثار مشهور مجید خدوری[1] است:

The Islamic Law of Nations: Shaybani's Siyar. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1966, and War and Peace in the Law of Islam. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1955.

7. Beitz, Charles R. Political Theory and International Relations. With a New Afterword by the Author. Princeton: Princeton University Press, 1999 (1979), p. vii.

با ارجاع به اهمیت جنگ و تقسیم جهان به دارالاسلام در برابر دارالحرب در اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگران مسلمان متعددی در این نظر هم‌رأی هستند که این مفاهیم در اندیشه سیاسی کلاسیک اسلامی مطرح شدند. در میانشان، مورد ابوسلیمان قابل‌توجه است، کسی که معتقد بود این تقسیم در نتیجه «عدم حساسیت به عنصر زمان ـ مکان» دخیل در تفسیر آیه‌هایی مرتبط قرآنی بود که در بسط مفهوم نسخ دائمی، در طول دوران به اصطلاح خلفای راشدین بروز کرد (۷۵۰-۸۱۳)؛ دورانی که مسلمانان بخشی از یک جامعه قدرتمند و پایدار بودند که احساس مشابهی نسبت به اواخر دوره مدنی رهبری نبوی و وحی قرآنی داشتند و بنابراین اجازه ظهور اصول و ارزش‌های کمتر قانونی و بیشتر معنوی و مترقی که در دوران ابتدایی مدنی و مکی آشکار شده بود، بی‌استفاده و فراموش شد،

AbuSulayman, ʻAbdulHamid A. towards an Islamic Theory of International Relations: New Directions for Methodology and Thought. 2nd rev. ed. Herdon: The International Institute of Islamic Thought, 1993, pp. 83–85.

۸. در این خصوص مراجعه کنید به:

In this respect, see AbuSulayman. Towards an Islamic Theory of International Relations, pp. xx–i.

9. Achraya, Amitav and Barry Buzan eds. Non-Western International Relations Theory: Perspectives On and Beyond Asia. London and New York: Routledge, 2010.
10. Achraya, Amitav and Barry Buzan eds. Non-Western International Relations Theory, p. 222.
11. Rengger, N. J. International Relations, Political Theory and the Problem of Order: Beyond International Relations Theory? London and New York: Routledge, 2000.
12. Shahrbanou Tadjbakhsh. "International Relations Theory and the Islamic Worldview." In Amitav Achraya and Barry Buzan eds. Non-Western International Relations Theory, pp. 174–196.
13. Sabet, Amr G. E. Islam and the Political: Theory, Governance and

1. Majid Khadduri

International Relations. London: Pluto Press, 2008.

۱۴. یک نمونه مرتبط با این موضوع توسط وزیر خارجه پیشین ترکیه ارائه شده است:

Ahmet Davutoglu's Alternative Paradigms: The Impact of Islamic and Western Weltanschauungs on Political Theory. Lanham: University Press of America, 1994.

فصل اول

بنیان‌های اسلام در روابط بین‌الملل

علی‌اکبر علیخانی

مقدمه

انسان‌ها دارای تفاوت‌های سلیقه‌ای و نگرشی از یکدیگر هستند و این امر موجب شده دارای نوع نگاه، سطح فکر و نحوه و میزان درك کاملاً متفاوت از امور و پدیده‌ها باشند. از سوی دیگر به اعتقاد فیلسوفان مسلمان انسان ذاتاً یک موجود اجتماعی است. به‌تبع دو ویژگی فوق، جوامع مختلفی شکل گرفته و هر جامعه‌ای دارای نگرش‌ها، باورها و اعتقادهای خاص خود است و معمولاً بر مبنای همین باورها و نگرش‌ها، نظام سیاسی متناسب با آن جامعه شکل می‌گیرد و در آن چارچوب عمل می‌کند. ضمن اینکه شرایط تاریخی و موقعیت‌های جغرافیایی نیز در نوع جوامع نقش برجسته‌ای دارند. نکته مهم در این فرایند، متفاوت شدن منافع و خواسته‌ها و مهم‌تر از آن گاهی تضاد و تعارض این منافع است که به دلیل دو ویژگی پیش گفته، طبیعی به نظر می‌رسند. حال اگر طبیعی بودن تفاوت خواست‌ها و منافع را بپذیریم که گاهی تعارض و تضاد هم به دنبال دارد، باید به سمت مدیریت این خواست‌ها و منافع و حل تضادها و تعارضات آن بپردازیم.

امروزه مهم‌ترین و عمده‌ترین تفاوت‌ها در خواست‌ها و منافع و همچنین تعارض‌ها و تضادها در عرصه روابط بین‌الملل رخ می‌دهد. حدود پنجاه کشور جهان مسلمان هستند و باورها، اعتقادها و نگرش‌های آنان ـ کمابیش و با سطوح مختلف ـ برآمده از دین اسلام است ولی به هر حال کشورهای مسلمان بخش مهمی از روابط بین‌الملل دنیای امروز را شکل می‌دهند. البته میزان و شدت پایبندی هر کدام از این کشورها و نحوه تفسیر آن‌ها از اسلام در عرصه سیاست متفاوت است. نکته مهم این است که داشتن تعاملات و روابط

کشورها با یکدیگر اعم از مسلمان و غیر مسلمان امری گریزناپذیر است، پرسش اصلی مقاله این است که دین اسلام چه بنیان‌هایی را برای مسلمانان برای داشتن رابطه با سایر ملت‌ها و دولت‌ها در نظر گرفته است؟ طبیعی است که در این مجال اندك، فقط به برخی از مبانی و اصول کلی آن هم در حد بسیار مختصر پرداخته می‌شود و شیوه گسترده‌تر و تخصصی‌تر بحث را به مجال دیگری وا می‌نهیم.

منظور از «بنیان‌ها»، آموزه‌ها و باورهای غیر قابل تغییر اسلام است که زیرساخت‌های فکری و اعتقادی مسلمانان را تشکیل می‌دهند، این باورها که مورد اجماع نسبی مسلمانان است از آغاز ظهور اسلام تا ابد ثابت و تغییرناپذیر، اما قابل تفسیر هستند. در گام دوم، بر اساس این بنیان‌ها اصول شکل می‌گیرند و در گام سوم می‌توان بر اساس آن اصول نظریه‌هایی را ارائه داد. مقصود از «روابط بین‌الملل»، هر گونه رابطه کشورهای مسلمان با یکدیگر، یا رابطه با کشورهای غیر مسلمان است. طبعاً رابطه سیاسی که حاکم بر سایر انواع روابط است اولویت دارد. منظور از «اسلام»، قرآن، سنت پیامبر اکرم (ﷺ) است که این تحقیق بر اساس این دو منبع انجام شده است. بنیان‌هایی که استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند صرفاً از قرآن و سنت نبوی استنباط شده‌اند، اما در توضیح و تفسیر آن‌ها و تبیین بهتر آیات قرآن و سنت نبوی، به دیدگاه‌های امام علی (علیه‌السلام) و مباحث دانشمندان مسلمان و مفسران قرآن در آن موضوعات نیز پرداخته شده است. پس از قرآن و سنت، امام علی (علیه‌السلام) مورد قبول همه مسلمانان است، چون شیعیان او را امام اول و جانشین پیامبر اسلام (ﷺ) و اهل سنت او را به عنوان صحابه و خلیفه چهارم قبول دارند.

بنیان‌های معرفتی و نگرشی

منظور از بنیان‌های معرفتی و نگرشی، مبانی فکری و اعتقادی افراد است که نوع نگرش و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. هر انسانی بر اساس بنیان‌های معرفتی و نگرشی به سایر انسان‌ها و پدیده‌های اجتماعی می‌نگرد و آن‌ها را تفسیر می‌کند. طبیعی است که نوع رفتار و تعامل با سایر مردمان و ملت‌ها نیز بر اساس این نگرش و تفسیر خواهد بود. بنیان معرفتی و نگرشی رهبران و نظام‌های سیاسی، زیرساخت‌های سیاست‌گذاری آن‌ها را در حوزه‌ی روابط بین‌الملل شکل می‌دهد.

نگاه تکریم‌آمیز به همه انسان‌ها

افراد بازیگران اصلی در دولت‌ها و روابط بین‌الملل هستند، نوع نگاه هر بازیگر به سایر انسان‌ها، تأثیر مستقیم بر رفتار او در روابط با آن‌ها دارد. دین اسلام کرامت و شأن بالایی

برای انسان‌ها قائل است. این کرامت فارغ از مذهب، نژاد، رنگ پوست، جنس و... به تمام انسان‌ها به طور برابر تعلق دارد. علاوه بر تصریح خداوند در قرآن به اینکه به تمام انسان‌ها کرامت دادیم و او را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم(۱)، آیات دیگری به صورت‌های مختلف این کرامت و برتری انسانی را یادآور شده‌اند. دمیده شدن روح خداوند در انسان(۲)، قرار دادن خداوند انسان را به عنوان جانشین خود در زمین(۳) و خلق کردن تمام آنچه در زمین است برای انسان(۴)، ازجمله مواردی است که بر کرامت ذاتی این جهانی انسان دلالت دارد. مهم‌ترین ویژگی این نوع کرامت این است که کم و کیف آن در تمام انسان‌ها ثابت است، چون به نوع انسان تعلق دارد. به پا خاستن پیامبر اکرم (ﷺ) به احترام جنازه یك فرد یهودی، با این استدلال که او صاحب‌نفس بوده است نشان می‌دهد که دمیده شدن روح خدایی در انسان، شأنیت و جایگاه والایی در انسان به وجود آورده، که به تعبیر ابن عربی عین ذات انسان ـ و صاحب آن جنازه ــ را دارای نفخه الهی می‌کند و بر تساوی اصل تمام نفوس در این خصوص دلالت دارد.

موارد متعدد و مکرری از سیره پیامبر اکرم (ﷺ) و بزرگان دین وجود دارد که نشان می‌دهد انسان قابل احترام است و فارغ از مباحث و مسائل جانبی مثل نژاد، رنگ پوست، نگرش و مذهب و... انسان‌ها در اولین و ساده‌ترین تعاملات خود، باید به یکدیگر احترام بگذارند و حرمت یکدیگر را پاس بدارند. کرامت انسانی حقی است که تحت هیچ شرایطی در این دنیا از انسان سلب نمی‌شود(۵)، در ذاتی بودن کرامت انسانی، این‌گونه نیست که خداوند انسان را آفریده و سپس به او کرامت بخشیده است، بلکه خداوند از ابتدا موجودی ارجمند و با کرامت آفریده است و سلب این کرامت به هر صورت، ماهیت و موجودیت او را تغییر می‌دهد(۶). به اعتقاد جوادی آملی، کرامت انسانی جزء اعتباریات نیست بلکه واقعیتی همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن است و تمام این‌ها مظاهر کرامت خداوند هستند(۷). انسان‌هایی که ما در عرصه روابط بین‌الملل با آن‌ها سروکار داریم همین انسان‌ها هستند با این تفاوت که در قالب ملت‌های مختلف درآمده‌اند(۸).

پذیرش تکثر مذاهب به عنوان واقعیت

هر پدیده‌ای از دو منظر می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، یکی از منظر درست و نادرست یا برحق بودن و نبودن و دیگر از این منظر که به عنوان یك واقعیت، وجود عینی و خارجی دارد. در روابط بین دولت‌ها، وجود ادیان، مذاهب، نگرش‌ها و منافع گوناگون به عنوان یك واقعیت خارجی مسلم است و پس از این واقعیت است که مسئله چالش در روابط بین‌الملل مطرح می‌شود. آیات قرآن با این پدیده واقعی برخورد واقع‌بینانه دارند. آیاتی در

قرآن وجود دارد که به نوعی سایر ادیان و نگرش‌ها را به رسمیت می‌شناسد و از آن‌ها می‌خواهد که بر اساس اعتقادات و مبانی دین خود رفتار کنند(۹) این امر منافاتی با این اعتقاد قرآن ندارد که دین درست نزد خداوند فقط اسلام است(۱۰). زیرا این باور قطعی اسلام و قرآن است که کامل‌ترین و بهترین است ـ همچنان که معتقدان به سایر ادیان نیز خود را کامل‌تر و درست‌تر می‌دانند ـ و اگر این اعتقاد نباشد اساساً وجود آن دین زیر سؤال می‌رود، اما نکته مهم این است که تصریح قرآن مبنی بر کامل‌تر و درست‌تر بودن دین اسلام، مانع از احترام به سایر نگرش‌ها و مذاهب و سایر انسان‌ها نمی‌شود و در اینجا نیز بحث این است که انسان با اعتقاد به کامل‌تر و درست‌تر بودن نگرش‌ها، اعتقادات و مذهب خود، باز هم به سایر نگرش‌ها و ملت‌ها احترام بگذارد و به دنبال داشتن روابط با آن‌ها و تأمین منافع خود باشد.

اصالت اختیار و انتخاب انسان

آنچه باعث شده قرآن تنوع ادیان و نگرش‌ها را به عنوان یك واقعیت مورد توجه قرار دهد و با آن‌ها به گفتگو بپردازد و راه تعامل و روابط را باز کند اصل وجود «انسان» است. از دیدگاه اسلام، وجود انسان اصالت دارد و در هر جامعه یا هر شرایطی که قرار گیرد، جوهره ذاتی خود را از دست نمی‌دهد، قرآن تصریح می‌کند تمام انسان‌ها امت واحدی بودند(۱۱)، همچنین خداوند تمام انسان‌ها را از یك مرد و زن آفرید و سپس آن‌ها را در قالب گروه‌ها و نژادهای مختلف قرار داد تا شناخته شوند(۱۲)، طبعاً اگر خداوند می‌خواست می‌توانست همه مردم را امت و ملت واحدی قرار دهد و آن‌ها را مثل هم و با یك اعتقاد و نگرش و در نتیجه منافع مشابه بیافریند، ولی تعمد داشته این کار را نکند(۱۳). قرآن به صراحت بیان می‌کند که اگر خدا می‌خواست، همه مردم را مؤمن یا مسلمان قرار می‌داد(۱۴) ولی خداوند خود اراده کرد که آن‌ها را به اختیار خودشان واگذارد تا هر راهی را می‌خواهند انتخاب کنند و نتیجه آن را نیز ببینند(۱۵) و این یکی از منشأهای بروز و ظهور ملت‌های مختلف در عرصه روابط بین‌الملل است. بر اساس این دیدگاه اسلام، هیچ دولتی حق ندارد سایر دولت‌ها و ملت‌ها را به راهی وادارد که خود می‌خواهد.

باور به برابری اولیه انسان‌ها

چهار دسته دلیل می‌توان اقامه کرد که برابری اولیه انسان‌ها را از دیدگاه اسلام نشان می‌دهد. نوع اول دلایلی است که تبیین می‌کند تمام انسان‌ها از یك منشأ و ریشه‌اند. چنانکه گفتیم قرآن می‌گوید تمام انسان‌ها ابتدا یک امت بودند(۱۶)، آیه دیگر در قرآن

می‌گوید خداوند تمام انسان‌ها را از یك مرد و زن آفرید و بعد آن‌ها را در قالب گروه‌ها و نژادهای مختلف قرار داد تا شناخته شوند(۱۷)، آیه دیگر قرآن می‌گوید اگر خداوند می‌خواست، می‌توانست همه مردم را یک امت قرار دهد و آن‌ها را مثل هم و با یك اعتقاد و نگرش بیافریند، ولی این کار را نکرده است(۱۸).

نوع دوم دلایلی هستند که نشان می‌دهند اگر خداوند می‌خواست می‌توانست همه مردم را مؤمن یا مسلمان قرار دهد(۱۹) ولی اراده خداوند بر این تعلق گرفت که آن‌ها را گوناگون خلق کند و به اختیار خودشان واگذارد تا هر کس راهی را که می‌خواهند انتخاب کند و طبعاً نتیجه انتخاب و عملکرد خود را نیز ـ در آخرت ـ ببیند(۲۰) و به پیامبر اسلام (ﷺ) می‌فرماید که وظیفه تو فقط تذکر و ابلاغ است و حق نداری مردم را به اکراه و اجبار به دین واداری(۲۱). بر این اساس هر کس مسئول رفتار و کردار خودش است، اگر راه درست و دین درست را برگزیند به سود خویش عمل کرده و هر کس بر راه حق و درست چشم بر بندد به ضرر خویش رفتار کرده است(۲۲).

نوع سوم دلایلی هستند که نشان می‌دهند درست و انسانی عمل کردن و نیکوکار بودن خود دارای ارزش و اهمیت است حتی اگر افراد مسلمان نباشند. قرآن ضمن اینکه اسلام را دین مورد قبول خداوند می‌داند(۲۳) اما تصریح می‌کند که پیروان سایر ادیان نیز اگر صادقانه به خداوند اعتقاد داشته باشد و اعمال نیك انجام دهند رستگار خواهند شد و پاداش آن‌ها نزد خداوند محفوظ است(۲۴). قرآن سایر کتاب‌های آسمانی را نیز دارای نور و هدایت می‌داند و از پیروان آن‌ها می‌خواهد که نسبت به آن پایبند باشند و به آن عمل کنند(۲۵). این آیات یك حق استثنایی برای انسان‌ها قائل می‌شوند و فرصت بی‌نظیری را برای تعامل انسان‌ها و کشورهای مختلف در حوزه روابط بین‌الملل پدید می‌آورند و در کنار آیات قبل که هیچ‌کسی را به پذیرش هیچ دینی مجبور نمی‌کرد شرایط مساعدی را برای زندگی مسالمت‌آمیز سیاسی اجتماعی برای همگان فراهم می‌کنند. برتری انسان‌ها به تقوا(۲۶) نیز فقط نزد خداست و مربوط به قیامت است و تأثیری در امور سیاسی اجتماعی افراد در این دنیا ندارد(۲۷).

دسته چهارم دلایلی هستند که کرامت ذاتی و برابری انسان را نشان می‌دهند. طبق آیه قرآن، خداوند هنگام خلقت انسان از روح خودش در او دمید(۲۸) و به او کرامت بخشید و او را بر سایر موجودات برتری داد(۲۹). این روح خدایی و کرامت، مربوط به نوع انسان است و تمام ابنای بشر را در بر می‌گیرد و نژاد، مذهب یا تفکرات سیاسی اجتماعی خاصی مدنظر نبوده که روح خدایی فقط در آن‌ها دمیده شده باشد. پیامبر اسلام (ﷺ) در خطبه حجةالوداع تأکید کرد که خدای همگان و پدر همگان یکی است، جد همه انسان‌ها

حضرت آدم است و آدم از خاك آفریده شد و هیچ انسانی بـر دیگـری برتـری نـدارد(۳۰). حضرت علی (علیه‌السلام) نیز به طور مکـرر و بـه صـورت‌های گونـاگون تأکیـد کـرده کـه همـه انسان‌ها برابرند و هیچ‌کس و هیچ نـژادی را بـر دیگـری برتـری نیسـت(۳۱). ایـن برابـری انسان‌ها به سطح ملت‌ها و دولت‌ها نیز قابل تعمیم است و در سطح روابـط بین‌الملـل نیـز مصداق پیدا می‌کند.

بنیان‌های عقلانی و اخلاقی

مقصود از بنیان‌های عقلانی، قواعد رفتاری و نوع تعاملی اسـت کـه عقـل انسـان آن‌هـا را ایجاب می‌کند و بدون آن‌ها نظام اجتماعی نمی‌تواند شکل بگیرد و پایدار بماند. بنیان‌های اخلاقی نیز علاوه بر اینکه عقلانیت ریشه دارند موجب پایداری و تعالی نظام‌های سیاسـی اجتماعی می‌شوند.

همزیستی مسالمت‌آمیز

قرآن به صـراحت بـه مسـلمانان دسـتور می‌دهـد کـه بـا «مـردم» بـه زبـان خـوش سـخن بگویند(۳۲) و نیکی کنند(۳۳). طبعاً مردمی که مورد ستایش قرآن هسـتند تمـام مـردم از هر دین و مذهب را شامل می‌شوند. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، عبای خود را از دوش برگرفـت و زیر پای مسیحیان نجران پهن کرد و برای تمام افراد و گروه‌های غیر مسلمان که وارد مدینـه می‌شدند احترام بسیار قائل بود(۳۴). در عهدنامه پیامبر اکـرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بـا مسـیحیان سـینا، تصریح شده است که به هیچ‌کس از آنان نباید زور گفته شود، باید با آنان مدارا شود، آزار و اذیتی به آن‌ها نرسد و هر جا که باشند معزز و محترم خواهنـد بـود(۳۵). احتـرام بـه سـایر ادیان و مناسك آن‌ها نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.

قرآن به صراحت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را رحمتـی بـرای جهانیـان ذکـر می‌کنـد(۳۶) و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز خود به آن اشاره دارد(۳۷)، طبعاً اسلام نیز دیـن رحمـت و محبـت است. قرآن دوستی مؤمنان را با مسیحیان غیرمتکبر و غیرظـالم، مطلـوب می‌دانـد(۳۸) و ابراز امیدواری می‌کند که میان مسلمانان و دشمنان آن‌ها مروت و دوستی پدیـد آیـد(۳۹)، طبعاً سایر ملت‌ها دشمن نیستند و ایجاد این مروت و محبت آسان‌تر و ضـروری‌تر اسـت. دیدگاه‌های راهبردی اسلام در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز بحث مفصلی است که مجـال گسترده‌ای می‌طلبد(۴۰).

پرهیز از هر گونه خشونت

تضاد خشونت با ذات اسلام

به چند دلیل اندیشه سیاسی اسلام، اساساً با خشونت و خونریزی در تضاد است: اول اینکه از جمله مهم‌ترین هدف قدرت و حکومت در اسلام، آموزش مردم و فراهم کردن زمینه تکامل و تعالی انسان‌ها است(۴۱) تا در دنیا و آخرت به سعادت برسند. امر ارتقای بینش انسان‌ها یك بحث معرفتی است که در فضای آرام و عقلانی صورت می‌گیرد. دوم اینکه اندیشه سیاسی اسلام اخلاق‌مدار و ارزش‌محور است(۴۲) و هدف آن تحقق ارزش‌های اخلاقی، انسانی و الهی در جامعه است. خشونت یك امر ضد اخلاقی است، اندیشه‌ای که مبنا و هدف آن ارزشی و اخلاقی است نمی‌تواند برای تحقق آن‌ها دست به شیوه‌های غیر اخلاقی بزند. سوم اینکه بارزترین مشخصه اندیشه سیاسی اسلام و عینی‌ترین هدفی که در عرصه سیاست دنبال می‌کند تحقق عدالت(۴۳) و حق‌محوری(۴۴) چه در داخل و چه در عرصه نظام بین‌الملل است. تحقق این دو هدف مهم به مردم جامعه و بازیگران بین‌المللی بستگی دارد. مردم و بازیگران باید عدالت را بخواهند و در راه آن تلاش کنند تا به دست آید اگر آن‌ها به هر دلیل خواهان عدالت نباشند نمی‌توان آنان را مجبور کرد که به عدالت تن دهند یا حق را در میان خود برقرار سازند. علاوه آنکه خود اِعمال خشونت برخلاف اصول عدالت است و فساد محسوب می‌شود. حضرت علی (علیه‌السلام) وقتی به دلیل عدم همکاری مردم نتوانست در انجام اصلاحات مورد نظر خود موفقیتی به دست آورد خطاب به آنان گفت: من می‌دانم چگونه می‌توان شما را به راه اصلاح آورد، تنها چیزی که می‌تواند شما را اصلاح کند زور و شمشیر است ولی من برای اصلاح شما، خودم را دچار فساد نمی‌کنم(۴۵).

چهارم اینکه در اسلام قدرت و حکومت اصل نیست، بلکه ابزار است. مهم‌ترین محور اندیشه سیاسی اسلام، قدرت نیست بلکه حق و عدالت است و قدرت و حکومت ابزاری برای تحقق این اهداف به شمار می‌روند(۴۶). بر این اساس، قدرت و حکومت فی‌نفسه دارای ارزش نیستند و اگر امکان تحقق حق، عدالت، ارزش‌های الهی، اخلاقی و انسانی از طریق حکومت و قدرت امکان‌پذیر نباشد این قدرت ارزشی ندارد و هیچ انگیزه دینی هم برای گرفتن آن وجود نخواهد داشت(۴۷).

جنگ و جهاد در قرآن

تحقیقات نشان می‌دهند تمام آیات جنگ و جهاد در قرآن جنبه دفاعی دارند و هیچ‌کدام از

آن‌ها خشونت و جنگ را تجویز نمی‌کنند(۴۸). با یک بررسی اجمالی، می‌توان تمام آیات قرآن را دربارهٔ جنگ و جهاد به سه دسته تقسیم کرد. دستهٔ اول که مهم‌ترین آیات قرآن در مورد جنگ به شمار می‌روند جهاد را مشروط به شروطی و مقید به قیودی می‌کنند که نتیجه این شروط و قیود، عدم جواز مسلمانان در آغاز به جنگ، ممنوعیت ستم در اثنای جنگ و ضرورت پایبندی به اخلاقیات و حقوق بشردوستانه را شامل می‌شود. این آیات اجازه اقدامات بازدارنده را فقط در حد مقابله‌به‌مثل ــ و نه بیش از آن ـ صادر می‌کنند(۴۹). دسته دوم یا آیات مطلق قرآن در مورد جنگ و جهاد، آیاتی هستند که بدون هیچ‌گونه قید و شرطی، مسلمانان را دعوت به جهاد می‌کنند. در خصوص این آیات، دو نکته قابل ذکر است. اول اینکه بر اساس قاعده «مطلق و مقید» در علوم قرآنی، آیات مطلق بر آیات مقید حمل می‌شوند و باید در چارچوب قیود و شروطی که آیات مقید تعیین کرده‌اند تفسیر و عمل شوند(۵۰). دوم اینکه هر کدام از این آیات، بنا به سیاق قبل و بعد و شأن نزول، درصدد بیان حکمی یا تبیین وضعیتی هستند یا مؤمنان را به انجام عملی تحریض می‌کنند که قبلاً آن را تحت شرایط خاص تجویز کرده‌اند. دسته سوم آیاتی هستند که به تبیین ابعاد مختلف جهاد پرداخته‌اند یا اجر و پاداش مجاهدان یا شهیدان را مورد اشاره قرار داده‌اند. در این آیات، امر به جهاد نشده است، بلکه جوانب مختلف جهاد را روشن می‌کند. جهادی که تابع قواعد و شرایط آیات مقید است.

خشونت در سنت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

سنت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از جمله در طول حکومت آن حضرت در مدینه و در مقابل مخالفان و دشمنانش بسیار معقول، ملایم و مسالمت‌آمیز بود. اساس رفتار آن حضرت با اقوام مختلف یهود در مدینه بر مبنای توافق و عهد و پیمان، گفتگو و در مواقع اضطرار و بحرانی، حل مسئله از طریق پرهیز از تنش و خشونت بود(۵۱). در مقابل بت‌پرستان و مشرکان نیز موضع پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کاملاً دفاعی بود و جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی آن حضرت فقط جنبه دفاعی داشت(۵۲) در مواردی نیز که بر دشمنانش غلبه می‌کرد بخشش، گذشت، مدارا و ملایمت روش آن حضرت بود(۵۳).

حضرت علی (علیه‌السلام) به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) فرمود: «هرگز کسی را برای مبارزه دعوت نکن»(۵۴) و به حاکم مصر سفارش کرد که از صلحی که دشمن، تو را بدان فرامی‌خواند و رضای خدا در آن است، روی متاب که صلح باعث آسایش سربازان، از بین رفتن غم‌ها و امنیت شهرها می‌شود(۵۵). در حکومت حضرت علی (علیه‌السلام) حتی یك مورد وجود ندارد که آن حضرت شروع‌کننده جنگ باشند. در سه جنگ جمل، صفین، نهروان،

پس از آنکه مذاکرات و رفت‌وآمدها نتیجه نمی‌داد و طرفین به توافق نمی‌رسیدند و در نهایت دو لشگر در مقابل هم صف‌آرایی می‌کردند، حضرت علی (علیه‌السلام) آخرین تلاش‌های خود را برای جلوگیری از جنگ به کار می‌بستند و برای چندمین بار، لحظاتی قبل از شروع جنگ طرف مقابل را به صلح و مذاکره دعوت می‌کردند(۵۶).

پایبندی به اصول اخلاقی

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تکمیل و تتمیم مکارم و ارزش‌های والای اخلاقی است که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خود بدان تصریح فرموده است(۵۷). یك مسئله یا یك هدف، باید برای جامعه بشری چه در آن دوران و چه در ادوار بعدی، بسیار حیاتی و اساسی باشد تا خداوند تعالی برای آن پیامبری را مبعوث کند. یکی از دلایل ضرورت عمل به دستورات اخلاقی اسلام به خصوص در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل این است که پایبندی و عمل به ارزش‌های اخلاقی و تجلی آن‌ها در جامعه، خود بخشی و مرتبه‌ای از هدف اسلام است. در حالی که قدرت و حکومت ابزار است و ابزار را می‌توان فدای هدف کرد اما عکس آن مشروع نیست.

بر طبق آموزه‌های اسلام، رعایت تمام اصول اخلاقی و انسانی در تمام عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی و حتی در جنگ با دشمن ضروری است. در متون اولیه اسلام تصریح شده که هیچ طرفی حق ندارد در جنگ، دشمن خود را از دستیابی به آب، غذا، دارو و نیازهای مشابه بازدارد، یا این‌ها را مسموم و غیرقابل استفاده سازد اگرچه از آن مشرکان باشد(۵۸). مهم‌ترین استدلال در این خصوص بر این آیه شریفه قرآن مبتنی است که به مسلمانان اجازه می‌دهد در مقابل غیر مسلمانان، فقط به همان صورت و همان اندازه که مورد تجاوز قرار می‌گیرند از خود دفاع کنند و به آن‌ها اجازه زیاده‌روی یا ظلم و تعدی نمی‌دهد(۵۹). سیره پیامبر بزرگ اسلام در جنگ‌ها این بود که در امانت خیانت نکنید و زنان و کودکان را نکشید. موارد متعددی در سیره پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وجود دارد که از کشتن زنان و کودکان نهی فرمودند(۶۰). همچنین پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هر گونه خیانت را طی جنگ‌ها غیر مجاز می‌شمرد و به جنگجویان خود می‌فرمود بجنگید ولی فریب ندهید، نقض امانت نکنید و نسبت به هیچ‌کس خیانت روا ندارید(۶۱). گفتنی است خدعه جنگی که مجاز شمرده شده، با خیانت و فریبکاری تفاوت اساسی دارد و خیانت با دشمن در اثنای جنگ جایز نیست(۶۲).